

۲۰۲۱/۱۸

ربه کا

نویسنده:

افه دوموریه

ترجمه:

منیره ذوالفقاری

www.ketab.ir

سرشناسه:

دوموریه، دفنی، ۱۹۰۷ - ۱۹۸۹م.

Du Maurier, Daphne

عنوان و نام پدیدآور: ربه‌کا/ اثر دافنه دوموریه؛ ترجمه منیره ذوالفقاری.

مشخصات نشر:

تهران: پر، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری:

۵۷۲ ص

978-622-6041-38-6

شابک:

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان اصلی: Rebecca; roman, 1940.

ناشر:

داستان‌های انگلیسی -- قرن ۲۰م.

موضوع:

English fiction -- 20th century

موضوع:

ذوالفقاری، منیره، ۱۳۷۰ - مترجم

شناسه افزودن:

۱۳۹۸۳۵۶۷/۹۶۲

رده بندی کتب:

۹۱۲۸۳۳

رده بندی دیویی:

۱۳۰۹۷

شماره کتابشناسی ملی



ربه‌کا



انتشارات پر

▪ نویسنده: دافنه دوموریه

▪ مترجم: منیره ذوالفقاری

▪ صفحه آرای: منیر علیزاده

▪ نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

▪ تیراژ: ۱۱۰ نسخه

▪ قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

ISBN: 978-622-6041-38-6

▪ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۴۱-۳۸-۶

آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳

تلفن: ۶۶۴۶۶۳۶۰ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵

www.ParNashr.ir

یادداشت نویسنده

امروزه حدود چهل سال از اولین چاپ داستانم ربه‌کا می‌گذرد. گرچه بیش از آن چهار رمان نوشته بودم، «روح محبوب»، «دیگر هرگز جواب نخواهم شد»، «پیشرفت جولیوس» و «هتل جامائیکا»؛ همچنین در زندان‌های نام‌های هم نوشته‌ام، «تصویر جرالند» و «دوموریه‌ها». داستان ربه‌کا در آمریکای شمالی، اروپا و آفریقا بسیار مورد استقبال قرار گرفت. چرا؟ خودم هم نمی‌دانم. درست است که من در طی نوشتن داستان خودم را محروم در شخصیت‌ها و خصوصاً راوی داستان نموده‌ام ولی این اتفاق با خودآگاه و بدون کنترل من به عنوان نویسنده بود؛ در واقع تا لحظاتی که داستان پایان یافت آن چنان محو در داستان بودم که خود را فراموش کرده بودم و البته وقتی کتاب را بستم دیگر آن خود قبلی نبودم. نسیم برای همیشه عوض شده بودم.

مشکلی که پس از نشر ربه‌کا داشتم این بود که هزاران نامه از سرتاسر جهان دریافت می‌کردم؛ خواننده‌هایم پرسیده بودند که داستان از کجا نشأت گرفته و شخصیت‌ها از کجا آمده‌اند؟ پرسیده بودند چرا هیچ وقت اسم قهرمان زن داستان ذکر نمی‌شود؟ جواب سؤال آخری بسیار ساده است: من به یک نفر یا یک شخص

نمی‌اندیشیدم خواننده خودش شخص اول داستان می‌شود و پیش می‌آید و راوی یک فرد دیگر نیست که اسم داشته باشد. وقتی داستان را شروع می‌کردم سی ساله بودم و در ابتدا خلاصه‌ای از فصل‌های مورد نظرم را به سرعت نوشتم. حالا هفتاد و چهار ساله هستم و خاطراتی دارم که هر لحظه در ذهنم کمرنگ‌تر می‌شوند. بابت این فراموشی باید از شما خواننده محترم عذرخواهی کنم. بی‌چی چه کنم که دست خودم نیست.

در پاییز سال ۱۹۳۷